

#### رخداد

#### گروگانگیری بازیگر سینما

■ **شرق:** یک بازیگر سینما وقتی نتوانست طلبش را از تهیه‌کننده بگیرد، دست به گروگانگیری زد.این بازیگر که بعد از سال‌ها دوری از سینما به تازگی در یک تله‌فیلم بازی کرده بود از تهیه‌کننده مبلغ شش‌میلیون تومان طلبکار شد، اما وقتی نتوانست پولش را بگیرد کارگردان فیلم و دستیار او را به خانه‌ای کشاند و با همکاری دو نفر دیگر آنها را گروگان گرفت. وقتی پلیس از این ماجرا باخبر شد و به محل حادثه رفت، دید متهمان گریخته‌اند. به این ترتیب دو هنرمند آزاد شدند و کارآگاهان بعد از مدتی تحقیق و جست‌وجو هرسه متهم این پرونده را بازداشت کردند.

#### اعلام جرم دادستانی رشت علیه شیث و نصرتی

■ **مهر:** مدیر روابط عمومی دادگستری استان گیلان از اعلام جرم دادستان رشت علیه شیث رضایی و محمد نصرتی خبر داد. علی اکبری اظهار داشت: دادستان شهر رشت علیه محمد نصرتی و شیث رضایی به اتهام ارتکاب اعمال خلاف غف عمومی و جریحه‌دار شدن افکار عمومی اعلام جرم کرد. وی ادامه داد: پرونده هم‌اکنون در شعبه ۱۴ بازپرسی دادرای رشت در حال رسیدگی است و حکم متخلفان به زودی اعلام می‌شود. دو بازیکن تیم فوتبال پرسپولیوس هفته گذشته در دیارب با داماش گیلان هنگام شادی پس از گل مرکب عمل خلاف اخلاق شدند.

#### سرقت میلیاردی توسط آبدارچی بانک

■ **فارس:** رئیس پلیس آگاهی استان قم خبر داد، آبدارچی یکی از بانک‌ها که با استفاده از رمز صندوق‌دار بانک اقدام به برداشت یک میلیارد تومان پول از صندوق بانک کرده بود، دستگیر شد. سرهنگ حسینی ابتدا به دستگیری اعضای یک باند زورگیری اشاره کرد و گفت: این باند در کوچه‌ها و خیابان‌های خلوت از افسران مختلف با تهدید چاقو اشف به سرقت می‌کردند. رئیس پلیس آگاهی استان قم با بیان اینکه یک باند از سارقان طلا که شامل دو زن و یک مرد بودند نیز متلاشی شد، عنوان کرد: شیوه سرقت این افراد این‌گونه بود که کودکانی را که با بی‌توجهی والدین در کوچه و خیابان راه شده بودند، با تنفلات فریب می‌دادند و آنها را به خیابانی دیگر می‌بردند و طلاهای آنها را سرقت می‌کردند. حسینی در ادامه بیان کرد: آبدارچی یکی از بانک‌های سطح استان که با استفاده از رمز صندوق‌دار بانک اقدام به برداشت یک میلیاردتومان پول از صندوق بانک کرده و خودرو و دلار خریدار بود نیز دستگیر شد. وی با اشاره به کشف یک قتل خانوادگی و دستگیری قاتل عنوان کرد: فردی در منزل توسط برادر خویش به قتل رسید و خانواده تلاش داشتند تا با صحنه‌سازی، وانمود کنند فرد در خارج از منزل به قتل رسیده است که راز این جنایت توسط کارآگاهان آگاهی استان کشف شد.

#### دریافت وام ۷۰۰ میلیونی با سند جعلی

■ **پلیس خبر:** رئیس‌پلیس پایتخت از دستگیری اعضای باند ۱۳نفری جعل اسناد و مهرهای دولتی خبر داد و گفت: متهمان فقط در یک پرونده با اسناد جعلی ۷۰۰ میلیون‌تومان وام دریافت کرده‌اند. سردار حسین ساجدی‌نیا، فرمانده انتظامی تهران بزرگ اظهار داشت: این باند با جعل اسناد و مهرهای بانکی و دولتی اقدام به دریافت وام‌های کلان از بانک‌ها می‌کردند که پس از ۴۵ روز کار اطلاعاتی و عملیاتی، توسط مأموران پلیس تهران شناسایی و دستگیر شدند. وی ادامه داد: این افراد با همدستی یکی از روسای شعب بانک‌های تهران اقدام به دریافت وام با اسامی تقلبی و صورتی کرده و همچنین با جعل اسناد به نام افراد فوت شده خود را به عنوان وارث آنها معرفی و اقدام به کلاهبرداری می‌کردند. رئیس‌پلیس تهران افزود: در میان ۱۳ نفر دستگیر شده دو نفر زن و بقیه مرد هستند. ساجدی‌نیا گفت: مالباختگانی که از این افراد شکایت دارند می‌توانند با مراجعه به شعبه مفتخ دادرای ناحیه چهار تهران طرح شکایت کنند.

#### مواییل، جان چوپان زخمی را نجات داد

■ **ایسنا:** چوپانی که مورد حمله دو قلابه گرگ قرار گرفته بود در تماسی با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ جان خود را نجات داد. مأموران پلیس به‌راستار روز شنبه از طریق تماس فردی در جریان حمله دو قلابه گرگ به چوپانی قرار گرفتند. با ثبت این گزارش، مأموران به محل حادثه که در محور نایین به اردستان بود، شتافتند و دریافتند این فرد به همراه گله خود به سمت کوه‌های مشرف به روستا حرکت می‌کرد که ناگهان ۲ قلابه گرگ به وی حمله کردند. مأموران پلیس با مشاهده این صحنه به سمت گرگ‌ها تیراندازی کردند که یکی از این گرگ‌ها کشته و دیگری متواری شد. بنا بر این گزارش، چوپان که از ناحیه دست و پا زخمی شده بود با تلفن همراه خود مأموران پلیس را در جریان این حمله قرار داده بود.

■ **شرق:** اعتیاد به ماده‌مخدر شیشه سبب شد دو مرد در جنایت‌های جنون‌آمیز دختران خردسال خود را به قتل برسانند. یکی از متهمان تصور می‌کرد فرزند شش ساله‌اش حاصل رابطه نامشروع است و متهم دیگر دچار این توهم شده بود که دختر چهارساله‌اش شیطان است و اگر او را نکشد خودش از بین خواهد رفت.

ساعت ۱۰۵ دقیقه روز پنجشنبه هفته گذشته، مردی کارگر که از بیابان‌های اطراف اراک می‌گذشت، صحنه فجیعی را دید. او مردی را مشاهده کرد که در حال دفن جسد یک کودک بوده مرد ناشناس بعد از آنکه مقداری خاک روی جنازه ریخت سوار یک خودرو پیکان شد تا محل را ترک کند. کارگر جوان باافاصله با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ تماس گرفت و ضمن توضیح ماجرا، مشخصات پیکان را نیز به مأموران داد. دقایقی بعد خودرو موردنظر در ۴۰کیلومتری جاده قم – اراک متوقف شد و راننده آن که مردی ۳۵ساله به‌نام جواد

است، بازداشت شد. سپس مأموران همراه جواد به محل دفن جنازه رفتند و با کندن زمین پیکر بی‌جان دختری شش‌ساله را از زیر خاک بیرون کشیدند. این‌گونه بود که جواد به اتهام قتل تحت بازجویی قرار گرفت او مقتول را فرزند خودش معرفی کرد و گفت: «پرحانه حاصل ارتباط نامشروع همسرم با مرد دیگری است به همین دلیل هم او را کشتم».

مأموران بعد از شنیدن این ادعا برای پی‌بردن به جزئیات بیشتر از قتل به بازرسی پیکان متهم پرداختند و مقداری ماده محرک شیشه را کشف کردند و دریافتند این فرد در پی توهم حاصل از مصرف موادمخدر دختر خود را کشته است. به این ترتیب، جواد یک‌بار دیگر تحت بازجویی قرار گرفت. او در اعترافاتش گفت: «من ساکن تهران هستم، از چندی قبل برای کشتن دخترم برنامه‌ریزی کرده بودم اما نمی‌خواستم این کار را در خانه و محله خودمان انجام دهم به همین دلیل دخترم را به بهانه مسافرت و رفتن به

بروجرد با خودم همراه کردم. وقتی به منطقه‌ای بیابانی نزدیک اراک رسیدیم، دیدم شرایط برای اجرای نقشه‌ام مساعد است به همین دلیل دخترم را از ماشین پیاده کردم و با یک چاقو گلویش را بریدم بعد با سنگ چند ضربه به سرش زدم وقتی او جان باخت جسد را دفن و فرار کردم».

این متهم اکنون در بازداشت به‌سر می‌برد و تحقیقات از وی ادامه دارد. در همین حال، بازپرس جنایی کرج در حال تحقیق درباره قتل دختر چهارساله‌ای است که به دست پدرش به کام مرگ کشانده شده است. مأموران پلیس مشکین‌شهر کرج هفته پیش جنازه دختری را در میان نخاله‌های ساختمانی پیدا کردند مقتول هیچ مدرک هویتی همراه نداشت و ناشناس بود‌اما ساعاتی بعد زنی با مراجعه به پلیس آگاهی از ناپدیدشدن فرزندش خبر داد و مشخصاتی را‌ارایه کرد که با جنازه پیدا شده، همخوانی داشت، به این ترتیب، نام قربانی فاش شد و مأموران فهمیدند این کودک همراه پدر معاندش از خانه

## کلاهبرداری‌های میلیونی زن بازیگر بعد از طلاق

چهره‌نگاری دریافتند با زنی مواجه هستند که در محدوده بازار و نقاط مرکزی شهر به بهانه‌های مختلف با افراد کم‌سواد و مسن آشنا می‌شود، مدتی برای جلب اعتماد سوزه هزینه‌می‌کند و سپس تحت عنوان استخدام فرزند مالباخته یا انجام کار خیر از جمله کمک به افراد بی‌بضاعت، تهیه چیزه‌ی و… دست به کلاهبرداری می‌زند. همچنین فاش شد تعداد کلاهبرداری‌های این زن بیش از سه مورد است و متهم برخی مواقع برای کلاهبرداری به منزل یا محل کار طعمه‌هایش می‌رود و بعد از چند بار ملاقات در سطح شهر یا مراسم‌های مذهبی و جلب اعتماد، نقشه خودش را برای کلاهبرداری عملی می‌کند. کارآگاهان در ادامه پی بردند این زن حتی به افراد تحت پوشش کمیته اسناد نیز رحم نمی‌کند و از آنها نیز کلاهبرداری کرده است. توانایی این زن در بازی کردن



میان گذاشتم و وی قول کمک داد. اشرف در ملاقات‌های بعدی گفت پسرم را در یکی از بانک‌ها استخدام خواهد کرد اما برای این کار باید مبلغی را هزینه کنم من هم سهمیلیون تومان قرض کردم و به این زن دادم. بعد از این ماجرا وی ناپدید شد.»شاکي بعدی نیز گفت: «شرف خودش را به‌عنوان فوق‌دکترای حقوق و وکیل معرفی کرد و برای پرونده‌ای که در یکی از مراجع قضایی داشتم مبلغ پنج میلیون تومان را به‌عنوان حق‌الوکاله از من گرفت و غیبیش زد.»کارآگاهان با بررسی این شکایات و انجام

## فروش بنزین با کارت سوخت‌های سرقتی

مأموران گفتند هیچ سرقتی از آنها صورت نگرفته اما وقتی کارت‌شان را بررسی کردند فهمیدند کارت‌سوخت‌شان در پمپ‌بنزین با کارت‌های

سوخت متعلق به افراد دیگر تعویض شده است به همین خاطر برای طرح شکایت به پلیس آگاهی رفتند. در این مرحله بود که مشخص شد سارق برای اینکه جلب توجه نکند کارت‌های سوخت طعمه‌هایش را با کارت‌های ابطال شده تعویض می‌کرده و رانندگان متوجه این موضوع نمی‌شدند.همچنین فاش شد کارت‌هایی که متهم در اختیار طعمه‌هایش قرار می‌داد کارت‌های مسروقه‌ای بود که توسط



مالکان ابطال شده بود مشخص شد که تمام این کارت‌ها دارای سابقه سرقت و مفقودی بوده و صاحبان آنها پس از اطلاع از موضوع، اقدام به ابطال کارت‌های سوخت خود کرده‌اند. تعدادی از این مالباختگان ضمن شناسایی متهم در اظهارات خود مدعی شدند: «مانی که برای خرید سوخت به پمپ‌بنزین مراجعه کرده بودیم گمان می‌کردیم این فرد (در حالی که یک دسته پول را در دست خود قرار داده بود) از کارکنان پایانه است و به همین علت پس از زدن بنزین، پول را به او تحویل می‌دادیم و او نیز قبل از آنکه خودمان اقدام به برداشتن کارت سوخت کنیم آن را تحویل می‌داد.» در نهایت

خارج شده بود از آنجا که احتمال داشت قتل توسط مرد شیشه‌ای اتفاق افتاده باشد وی تحت تعقیب قرار گرفت اما او چند روزی را فراری بود تا اینکه در یکی از پارک‌های شهر شناسایی و دستگیر شد. متهم در بازجویی‌ها ضمن اعتراف به کشتن دخترش گفت: «از شش‌ماه قبل به شیشه اعتیاد پیدا کردم بعد از آن همیشه با همسرم اختلاف داشتم و چند بار او و دخترم را کتک زدم. دیگر علاقه‌ای به آنها نداشتم و از سویی دچار توهم هم شده بودم صایبی به من می‌گفت دخترم شیطان است و اگر او را نکشم خودم کشته می‌شوم به همین دلیل نقشه قتل را کشیدم و روز حادثه وقتی همسرم خانه نبود دخترم را به بهانه خرید بنستنی از خانه بیرون بردم و در یک ساختمان نیمه‌کاره او را به باد کتک گرفتم و انقدر مشت و لگد زدم تا از حال رفت بعد گلویش را فشار دادم و او را خفه کردم».

بنابراین، گزارش پرونده این جنایت اکنون در دادسرا در حال رسیدگی است.

#### نقش‌های مختلف سبب می‌شد طعمه‌های او به راحتی فریب بخورند.

کارآگاهان با پیگیری این پرونده متوجه شدند متهم قبلاً در یک فیلم تلویزیونی نیز بازی کرده و این فیلم از سیما پخش شده است. کارآگاهان برای ردیابی زن میانسال به چند نهادهی که او خودش را از کارمندان آنجا معرفی می‌کرد، رفتند و فهمیدند در یکی از ادارها مشخصاتی از او به‌عنوان کلاهبردار ثبت شده است. به این ترتیب نخستین سرخ‌ها‌ز زن شیداه به دست آمد و مأموران بسا تعقیب گام به گام او را چند روز قبل در محدوده بازار شناسایی و دستگیر کردند. با انتقال متهم به پلیس آگاهی معلوم شد هویت واقعی او «خلاص – الف» است. متهم در اعترافات خود انگیزه‌اش را از این کلاهبرداری‌ها متراکه با همسر سابقش و نداشتن سرپرست و درآمد اعلام کرد و گفت در اغلب ملاقات‌ها خودش را فوق‌دکترای حقوق و وکیل پاییک معرفی می‌کرد. سرهنگ کارآگاه علی فیلم‌براندی گفت: فرد دادن این‌گونه‌فیلم‌های اینترنت کاری نادرست است و ربطی به اطلاع‌رسانی ندارد. از نگاه آسیب‌شناسی اجتماعی خشونت، خشونت‌زاست و در چنین مواردی باعث می‌شود فرزندان نسبت به والدین نگاه بدبینانه‌ی پیدا کنند چراکه نمایش این‌گونه عکس‌ها باعث گسترش خشونت و قبح‌زدایی و عمومیت بخشیدن به آن می‌شود. البته رسانه‌ها در این خصوص نمی‌توانند نقشی ایفا کنند چراکه این فیلم‌ها از سوی شهروندان و افرادی غیررسانه‌ای منتشر می‌شود حال آنکه نمایش صحنه‌های جنایات باعث گسترش روحیه خشونت در جامعه می‌شود. با توجه به اینکه زمینه‌های فراگیری و ظرفیت‌های یادگیری افراد متفاوت است بنابراین نمی‌توان گفت همه اشخاص در مقابل تعاماتی این‌گونه صحنه‌ها دارای توانایی یکسان هستند. به‌عنوان مثال اعدام برخی مجرمان در ملاءعام و نمایش تصویری آن در رسانه‌ها برای اشخاصی که زمینه‌مناسب فراگیری خشونت و بزهکاری را دارند، روش مطلوبی نیست و اثر رفتاری چنین اقدامی باید از زیبایی و سنجش شود. در همین رابطه کار باید روحیه‌ناشاد در جامعه ارتقا یابد چراکه ۸۵درصد از کسانی که گرایش و تمایل به تماشای این‌گونه فیلم‌ها و صحنه‌ها دارند یا کنجکاو یا دارای زمینه مثبت برای گرایش به خشونت هستند، بنابراین بیان و نمایش دادن قتل فرزند به دست پدر بدون کارشناسی کردن موضوع جز بالا بردن درجه خشونت در جامعه، اضطراب اجتماعی و هراس عاطفی نتیجه‌ای نخواهد داشت. دوم اینکه دادن مرخصی به افراد دارای سابقه بزهکاری در واقع ایجاد فرصت برای تکرار جرم از سوی آنهاست. بارها و بارها دیده شده یک مجرم در مرخصی دست به تکرار جرم زده است. سومین موضوع این است که حمایت از خانواده‌های زندانیان چه در بعد مالی و چه در زمینه‌های روانی باعث می‌شود این‌گونه افراد از قرار گرفتن در معرض آسیب‌ها رها نشوند و سرنوشت فرزندان چنین خانواده‌هایی با سرنوشت تلخ والدین‌شان تلقیف نشود. نکته بعدی این است که متهم موردنظر برای توجیه جنایت خود قفد و آینده سیاه فرزندان خود را علت قتل آنها بیان کرده است اما این‌گونه دلایل قایل‌قبول نیست. بسیار ملاحظه‌اشده یک پدر که باید قفیر به خاطر فرزندان‌شان به تلاش‌های مضاعفی دست زده اما به خود اجازه نداده‌اند دفتر حیات آنها را ببینند. اگر این فرد پدر مهربانی بود با داشتن سه دختر نباید جرم را پیشه خود می‌کرد بلکه می‌توانست با انتخاب یک کار شرافتمنده شایستگی خود را ثابت کند و مهم‌تر اینکه اگر این فرد صادق است می‌توانست بعد از خروج از زندان نسبت به اصلاح گذشته خود اقدام کند و برای دخترانش تکیه‌گاه شود. باید برای جلوگیری از گسترش چنین جنایاتی پیشگیری‌های فرهنگی و اجتماعی انجام داد. از آنجا که محدود کردن فضای مجازی تقریباً دشوار و غیرممکن است بنابراین رسالت اجتماعی و اخلاقی رسانه‌های ما این است که در این‌گونه مواقع برای خشن‌سازی آثار سوء، این حوادث اقدام به کالبدشکافی حادثه کنند و ابعاد قابل آموزش و پیشگیری را بیان کنند و در کنار آن به خانواده‌ها و نوجوانان آموزش دهند آثار و عوابع روانی و رفتاری و تماشای این فیلم‌ها چیست. به نظر می‌رسد مساجبه با این بزهکاران از شرح زندگینامه آنها‌یی که مرکب جرایم خشن شده‌اند می‌تواند بهترین دروس پیشگیری را به همراه داشته باشد اما متأسفانه در این محور مثل بقیه زمینه‌ها بهره‌گیری از کارشناسان به دست فراموشی سپرده شده و افرادی که اظهارنظر می‌کنند نیز تخصص و تجارب کافی ندارند.

#### نگاه

#### کالبدشکافی قتل سه دختر توسط پدر



مجید ابهری\*

■ افزایش قتل‌های خانوادگی آثار آزادهندهای را در افکار عمومی و احساسات اجتماعی برجای می‌گذارد. یکی از این جنایت‌ها کشته شدن سه دختر بی‌گناه به دست پدر و توجیه این اقدام با فقر مالی او بود. این حادثه باعث شد در سفری که به کرمانشاه داشتم در مورد موضوع کمی بیشتر تحقیق کنم. پدر یاد شده فردی بزهکار با سوابق خرید و فروش سلاح گرم و شرارت است. او در زندان باخبر می‌شود برای دختر بزرگش خواستگار آمده است به همین دلیل با گرفتن مرخصی از زندان در ظاهر برای ساماندهی امور به خانه می‌رود. این مرد که سابقه اعتیاد به شیشه و کراک داشت، در روز جنایت موملمخدر مصرف می‌کند و سه دختر را به بیرون شهر می‌برد و باسلاح جنگی به جان آنها می‌افند. در ابتدای ماجرا همان‌طور که در فیلم جنایت هم شاهد هستیم پدر دختر کوچکش را می‌کشد و وقتی دو دختر دیگر باور می‌کنند پدر قصد شلیک دارد فرار می‌کنند. پدر به دنبال آنها می‌دود و بعد از تیراندازی به دختر وسطی، دختر بزرگ‌تر را هم می‌کشد، سپس به خانه برمی‌گردد و همسرش را در جریان قتل می‌گذارد و آدرس محل جنایت را می‌دهد و می‌گریزد. او چند روز بعد درحالی‌که از نظر روانی شرایط مساعدی ندارد، خود را تسلیم می‌کند. فرد متهم در یک خانواده پرجمعیت کشاورز که به خاطر فقر تغییر شغل داده و کارگر شده‌اند به دنیا آمده و رشد کرده است. او بعد از ازدواج به کارهای خلاف می‌پرداخت اما همسر و فرزندان‌ش افرادی بسیار پاک بودند و هیچ خطایی انجام ندهادند بنابراین پدر نمی‌توانست به بهانه اینکه آنها خطاکار هستند، دست به قتل بزند. او معتاد به شیشه و کراک بود و در تمام این مدت مقدار زیادی مواد مصرف می‌کرد. اولین نکته قابل توجه در این پرونده آن است که به فاصله چندروز بعد از وقوع حادثه فیلم مربوطه روی سایت‌های قرار می‌گیرد؛ فیلمی که فقط در گوشت دختر بزرگ و آخرین قربانی بوده و هیچ شهروندی به آن حضور نداشته که فیلم‌برداری شده. فرد دادن این‌گونه‌فیلم‌های اینترنت کاری نادرست است و ربطی به اطلاع‌رسانی ندارد. از نگاه آسیب‌شناسی اجتماعی خشونت، خشونت‌زاست و در چنین مواردی باعث می‌شود فرزندان نسبت به والدین نگاه بدبینانه‌ی پیدا کنند چراکه نمایش این‌گونه عکس‌ها باعث گسترش خشونت و قبح‌زدایی و عمومیت بخشیدن به آن می‌شود. البته رسانه‌ها در این خصوص نمی‌توانند نقشی ایفا کنند چراکه این فیلم‌ها از سوی شهروندان و افرادی غیررسانه‌ای منتشر می‌شود حال آنکه نمایش صحنه‌های جنایات باعث گسترش روحیه خشونت در جامعه می‌شود. با توجه به اینکه زمینه‌های فراگیری و ظرفیت‌های یادگیری افراد متفاوت است بنابراین نمی‌توان گفت همه اشخاص در مقابل تعاماتی این‌گونه صحنه‌ها دارای توانایی یکسان هستند. به‌عنوان مثال اعدام برخی مجرمان در ملاءعام و نمایش تصویری آن در رسانه‌ها برای اشخاصی که زمینه‌مناسب فراگیری خشونت و بزهکاری را دارند، روش مطلوبی نیست و اثر رفتاری چنین اقدامی باید از زیبایی و سنجش شود. در همین رابطه کار باید روحیه‌ناشاد در جامعه ارتقا یابد چراکه ۸۵درصد از کسانی که گرایش و تمایل به تماشای این‌گونه فیلم‌ها و صحنه‌ها دارند یا کنجکاو یا دارای زمینه مثبت برای گرایش به خشونت هستند، بنابراین بیان و نمایش دادن قتل فرزند به دست پدر بدون کارشناسی کردن موضوع جز بالا بردن درجه خشونت در جامعه، اضطراب اجتماعی و هراس عاطفی نتیجه‌ای نخواهد داشت. دوم اینکه دادن مرخصی به افراد دارای سابقه بزهکاری در واقع ایجاد فرصت برای تکرار جرم از سوی آنهاست. بارها و بارها دیده شده یک مجرم در مرخصی دست به تکرار جرم زده است. سومین موضوع این است که حمایت از خانواده‌های زندانیان چه در بعد مالی و چه در زمینه‌های روانی باعث می‌شود این‌گونه افراد از قرار گرفتن در معرض آسیب‌ها رها نشوند و سرنوشت فرزندان چنین خانواده‌هایی با سرنوشت تلخ والدین‌شان تلقیف نشود. نکته بعدی این است که متهم موردنظر برای توجیه جنایت خود قفد و آینده سیاه فرزندان خود را علت قتل آنها بیان کرده است اما این‌گونه دلایل قایل‌قبول نیست. بسیار ملاحظه‌اشده یک پدر که باید قفیر به خاطر فرزندان‌شان به تلاش‌های مضاعفی دست زده اما به خود اجازه نداده‌اند دفتر حیات آنها را ببینند. اگر این فرد پدر مهربانی بود با داشتن سه دختر نباید جرم را پیشه خود می‌کرد بلکه می‌توانست با انتخاب یک کار شرافتمنده شایستگی خود را ثابت کند و مهم‌تر اینکه اگر این فرد صادق است می‌توانست بعد از خروج از زندان نسبت به اصلاح گذشته خود اقدام کند و برای دخترانش تکیه‌گاه شود. باید برای جلوگیری از گسترش چنین جنایاتی پیشگیری‌های فرهنگی و اجتماعی انجام داد. از آنجا که محدود کردن فضای مجازی تقریباً دشوار و غیرممکن است بنابراین رسالت اجتماعی و اخلاقی رسانه‌های ما این است که در این‌گونه مواقع برای خشن‌سازی آثار سوء، این حوادث اقدام به کالبدشکافی حادثه کنند و ابعاد قابل آموزش و پیشگیری را بیان کنند و در کنار آن به خانواده‌ها و نوجوانان آموزش دهند آثار و عوابع روانی و رفتاری و تماشای این فیلم‌ها چیست. به نظر می‌رسد مساجبه با این بزهکاران از شرح زندگینامه آنها‌یی که مرکب جرایم خشن شده‌اند می‌تواند بهترین دروس پیشگیری را به همراه داشته باشد اما متأسفانه در این محور مثل بقیه زمینه‌ها بهره‌گیری از کارشناسان به دست فراموشی سپرده شده و افرادی که اظهارنظر می‌کنند نیز تخصص و تجارب کافی ندارند.

«فشارشناس واستاد دانشگاه

### حوادث